

درب زندانها را بشکنیم! زندانیان حق فرار دارند!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۵

حکمتیست

۳۰۱

۲ آوریل ۲۰۲۰ - ۱۴ فروردین ۱۳۹۹
پنجشنبه ها منتشر میشود



سالمدان و بیماران بیفایده و هزینه ساز است! سیاست رسمی اما غیر علنی و اعلام نشده بورژوازی جهانی شود؟ البته اینبار نه بعنوان "نجات نژاد آریایی" که برای "نجات اقتصاد" و "نجات نیروی کار!"

سنگدل ترین، جنایتکارترین و ضد انسانی ترین جنبشهای تاریخ بشریت، فاشیسم هیتلری، که امروز و در دل "بحران کرونا"، تحت عناوینی چون "مصونیت گله ای"، "تعیین اولویت رسیدگی به بیماران"، "اقتصاد اول" و "ضرورت قربانی شدن بخشی از جامعه برای نجات اقتصاد" رسماً و عملاً سیاست بخشی از بورژوازی در جهان شود!

آیا قابل تصور بود اینک: "دوره جنگ با کرونا بهترین زمان برای خلاصی از

فاشیسم زیر پرچم "اقتصاد اول" آذر مدرسی

آیا قابل تصور بود که در قرن بیست و یک این گفته هیتلر که: "دوران جنگ بهترین زمان برای از میان بردن بیماران لاعلاج است!" و عملیات تی ۴ (پروژه کشتن معلولین و افراد ناتوان از کار کردن) نه بعنوان سیاست یکی از

"کرونا"

دولت و مردم!

مظفر محمدی



دولتهای سرمایه داری برای راه اندازی هر چه سریع تر کار و سرمایه تلاش می کنند، پروسه کشتار را تسریع کنند. به قرنطینه و کنترل شیوع بیماری و حفظ جان بخش آسیب پذیر جامعه اهمیت نمی

دهند. بگذار به سرعت هر آنچه که می خواهد بمیرد بمیرد. بقیه به کار برگردند تا سرمایه ی زبان بسته بدون سود و راكد نماند. این تنها ما کمونیست ها نیست که میگوییم، بلکه خود سران دول سرمایه داری از جمله، ترامپ، بوریس جانسون انگلستان، دولت سوئد و جمهوری اسلامی آشکارا می گویند که علاقه ای به قرنطینه ی حتی شهر و مناطق بحران زده ندارند. از نظر ترامپ تا دویست هزار کس هم بمیرند او راضی است.

تنها ما کمونیست ها نیست که میگوییم بلکه خود بورژواها همدیگر را متهم می کنند که قصد کشتن سالمدان و مریض ها و بازنشستگان را که توان کار و سودآوری برای سرمایه ندارند را دارند. دول سرمایه داری آشکارا دارند برای این کشتار برنامه ریزی و زمان بندی می کنند.

دولتمردان سرمایه داری نه می خواهند و نه می توانند با بیماری کرونا بجنگند. از نظر آنها بگذار تا دلش میخواهد بکشد بعد می رود. خودشان اذعان دارند که نظام شان برای اینگونه بحران ها و حفظ جان جامعه آمادگی ندارد. چرا که تمام هم و غم آن ها این است که چرخ های سرمایه بچرخد و انباشت کند و سود دهد. ... صفحه ۳

سوریه بعد از ۱۰ سال

خالد حاج محمدی



مردم فوری حاشیه ای شد و سراسر این دو کشور به جدال خونین میان نیروهای دولتی و اپوزیسیون های بورژوازی زیر فرمان دول متحد خود در منطقه و دول بزرگ امپریالیستی تبدیل شد. مردم معترض نه تنها به خانه فرستاده شدند که به قربانیان بی تقصیر جنگ مرتجعین تبدیل شدند. دخالتهای امپریالیستی در این کشورها با پرچم دفاع از مردم و کنار زدن حکام مستبد و به نام دخالت بشر دوستانه ... صفحه ۴

آزادیخواه در سراسر جهان قرار گرفت. در کشورهای مختلف جهان تجمعات بزرگ و کوچک در حمایت از مردم مصر و تونس و... شکل گرفت و امیدواری بزرگی در جهان برای ایجاد تحولات عمیق در خاورمیانه ایجاد شد. در مصر و تونس علیرغم اینکه اعتراضات مردم به امیال خود نرسید، اما به سقوط دولتهای وقت انجامید.

امید و آرزوهای مردم لیبی و سوریه برای به زیر کشیدن حکام خود و رسیدن به زندگی انسانی تر با دخالتهای امپریالیستی و تبدیل این دو کشور به میدان جدال دول بزرگ جهان، به یاس تبدیل شد. اعتراضات

یازده سال پیش و بدنبال اعتراضات وسیع توده ای در مصر و تونس علیه استبداد و برای آزادی و رفاه، در بسیاری از کشورهای دنیای عرب، مردم محروم دست به تحرکات اعتراضی زدند. از ژانویه ۲۰۱۱ دامنه اعتراضات به سوریه و لیبی نیز کشیده شد. اعتراضات عدالتخواهانه، بخش زیادی از کشورهای عربی را در بر گرفت چیزی که در دنیا بهار عربی نام گرفت. بشریت در این دوره شاهد یک بیداری عمومی در دنیای عرب علیه فقر و بی عدالتی و استبداد و بی حقوقی بود. این بیداری و تحرک وسیع اعتراضی مورد حمایت مردم

حکومت کارگری برابری آزادی

بیشتری و وقاحت در مصاحبه تلویزیونی و در جواب به این سوال که طبق "سیاست اولویت بندی درمان بیماران"، سالمندان و بیماران باید انتخاب کنند که در صورت ابتلا به کرونا به بیمارستان بروند و در تنهایی بمیرند یا در خانه در کنار عزیزان بمیرند؟ جواب میدهد "بله هر کسی از امروز باید انتخاب کند و هر خانواده ای باید این مسئله را در مقابل خود قرار دهد!"

این همه "دمکراسی" و همه "حق انتخاب" ی است که امروز سالمندان و بیماران در یکی از کشورهای "مهد تمدن جهان" دارند. انتخاب میان نیروی کار فعال یا نیروی بیفایده و قبلا مصرف شده، برای جامعه!

به این ترتیب در فضایی از ترس و ارباب، عملا حق اجرای عملیات تی ۱۴ به شهروندان بریتانیا اعطا شد! بخشی از "پزشکان" و "متخصصین" با تجزیه تحلیل های "لازم"، مسئولیت تئوریزه کردن این سیاست فاشیستی را به عهده گرفته اند. همانطور که بخشی از "پزشکان و متخصصین" فاشیسم هیتلری "ضرورت پاکسازی نژاد آریایی" را تئوریزه و مشروع کرد.

حق حیات، حرمت زندگی انسانها مستقل از سن، جنسیت و توانایی جسمی و همگی بعنوان "سانتیمنتالیسم و رمانتیسیسم بیش از حد" به سخره گرفته میشود و "واقع بینی"، اینکه "باید حساب سرانگشتی کرد و دید مرگ چه کسی به نفع آینده است"، "در دوره جنگ باید قربانی داد!" پزشکان و محققینی که مسئول به استیصال کشیدن مردم، مسئول "قانع کردن" آنان به "انتخاب" و "متوجه" کردن آنان به قربانی کردن سالمندان و بیماران "برای نجات آینده بشریت" اند، اندک اندک به جلو صحنه کشیده میشوند. تحمیل استیصال، بی افقی و ناتوانی مطلق در مقابل وضع موجود تنها سلاح اینها در به سکوت کشاندن مردم در مقابل این سیاست فاشیستی و ارتجاعی است.

سیاست بورژوازی اروپا و آمریکا تحت عنوان "نجات شهروندان" صرفا بسته بندی شیک و "انسانی" سیاست فاشیستی و ضد انسانی "نجات نیروی کار" و "اقتصاد اول" بولسونارو است. امروز همه قدرتها و دولت های حاکم، از ایران و عراق و برزیل و هند تا بریتانیا، اسپانیا و سوئد و آمریکا، در اجرای سیاست "نجات نیروی کار برای بیرون آمدن از بحران اقتصادی پس از کرونا" شریک و هم سو هستند.

بشریت امروز از دریچه بحران کرونا نه فقط تناقض بنیادی نظم موجود، کاپیتالیسم در عالی ترین و پست ترین شکل و سطح آن، با سعادت و رفاه و امنیت و سلامت خود، نه فقط فریبکاری "دولت نماینده همه شهروندان" و "حق انتخاب" و "حق حیات" و "حرمت انسان" را مشاهده میکند، که خودنمایی و پیشروی سیاهترین و کثیفترین ظرفیتهای این "جهان متمدن و دمکرات" را در ارتجاعی ترین، عریانترین و شنیع ترین شکل آن، در مقابل خود میبیند. بشریت متمدن اینبار هم این فاشیسم "ناجی بشریت" را به همراه همه سردمداران آن از میدان به در خواهد کرد.

بشریت تجربه عروج و سقوط فاشیسم هیتلری را دارد! احیا آن جنبش و ایدئولوژی ضدبشری، بار دیگر، ساده نیست! بشریت متمدن، بی تردید در مقابل این تعرض و احیا گذشته مخوف و سیاه، مقاومت میکند! باید مقاومت کند! هزینه و خسارت این مقاومت و جدال را باید به حداقل رساند. در جهان در جنگ با کرونا، دفاع از دستاوردهای شکست فاشیسم هیتلری و پیشروی و تعرض، بی تردید یک جبهه مهم جدال مردمی در غرب خواهد بود.

→ آیا قابل تصور بود که پلاکارد فاشیستها در آلمان در سالهای ۴۵-۳۹، که: "۶۰ هزار مارک، این خرجی است که یک مبتلا به بیماری ژنتیکی در مدت زمان زندگی خود روی دست جامعه میگذارد. شهروند محترم، این پول شما هم هست!" را امروز از زبان ژورنالیستهای دست راستی در بریتانیا تحت عنوان "اختصاص ۳۵۰ بیلیون پوند برای نجات چند صد هزار نفری پیر و بیمار، استفاده غیر مسئولانه از پول مالیات دهندگان است" را در میدیا مشاهده کرد؟

پشت هیاهوی تلاش دولتها برای نجات شهروندان، واقعیاتی تکان دهنده و تحرکی فاشیستی و خطرناک در جریان است که در میدیای رسمی به ندرت به چشم میخورند! این واقعیات بیش از ویروس کرونا زندگی میلیونها انسان، و بشریت را تهدید میکند. فاشیسمی که از بورژوازی "جهان متمدن" در کشورهای "مهد تمدن" و دمکراسی تا بورژوازی حاکم در کشورهای "غیردمکراتیک" و "توتالیتر" در آسیا و افریقا و امریکای لاتین دست در دست هم آنرا نمایندگی میکنند. شبخ این فاشیسم، این بار به بهانه کرونا، یکبار دیگر بشریت را تهدید میکند.

ظاهرا سیاست بولسونارو، مشهور به ترامپ برزیل، با سیاست "اقتصاد اول" و اعلام اینکه "خوب عده ای میمیرند و زندگی همین است!" یا "نمیتوان کارخانه اتوموبیل سازی را بدلیل مرگ بر اثر ترافیک بست"، "رعد و برق در آسمان بی ابری بود" و "خشم و نفرت" روسای "جهان متمدن" و میدیای رسمی شان را به دنبال داشت. در حالیکه بولسونارو، حرف دل عملکرد خودبخودی هارترین بخش سرمایه را، بدون "نزاکت سیاسی" میزند! خشم بخش "معتدل تر" بورژوازی جهانی از بولسونارو و این درجه قساوت قلبی او، از این درجه از بی مسئولیتی او، در اصل خشم از صراحت در اعلام سیاست "پاکسازی نسل به درد نخور و ناکارا و بیماران بیفایده برای جامعه" است! سیاستی که قبل از بولسونارو، روسای "جهان متمدن و دمکرات" در آمریکا و بریتانیا در بسته بندی "انسانی و علمی" "ابتلا و مصونیت گله ای و از بین رفتن صدها هزار نفر بهترین راه علمی و عملی مقابله با کرونا است!" را، زمانیکه آمار مرگ و میر در چین نشان میداد که سالمندان و افراد با بیمارهای مزمن بیشترین قربانیان کرونا را تشکیل میدهند، سیاست رسمی خود اعلام کردند. سیاستی که به سرعت زیر فشار افکار عمومی و اعتراض مردم ظاهرا از دستور خارج شده اما در عمل در حال اجرا است.

شبکه اجتماعی توئیتر پست بولسونارو را حذف کرد و سایر میدیای رسمی او را بعنوان نادان ترین سیاستمدار سنگسار کردند و قساوت قلبی او را به خصلت "عقب مانده" و "خشن" امریکای لاتین و حکومتهای "غیر دمکراتیک" این جغرافیا نسبت دادند و فریاد زدند در برزیل بیش از یک میلیون نفر در اثر ویروس کرونا جان خود را از دست خواهند داد و دولت برزیل مسئول است. اما همزمان سیاست دولت سوئد، سوگلی تاریخی "دولت رفاه" که: "ما مرگ سالمندان را به نفع جوانان انتخاب می کنیم"، سیاست دولت اسپانیا مبنی بر قطع مداوای بیماران مزمن مبتلا به کرونا و افراد بالای ۸۰ سال و امروز قطع مداوای بیماران بالای ۴۵ سال، سیاست دولت ایتالیا در اولویت دادن به جوانان و افراد سالم در نجات و اختصاص کپسول اکسیژن به آنان و سیاست مشابه دولت بریتانیا تحت عنوان "اولویت بخشی به مداوای بیماران مبتلا به کرونا"، بعنوان سیاستهای "متمدنانه" و "مسئولانه"، "قابل اجرا در شرایط بحرانی کنونی" و برای "نجات نظام پزشکی" و "کنترل" ابعاد فاجعه، معرفی میکنند. مشاور پزشکی و حقوق بشری سازمان پزشکی بریتانیا در اوج

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به رحم خود تبدیل کنید!

“کرونا”، دولت و مردم ...

این مصائب هم هستند و پایان ندارند. جنبش همبستگی مردمی در ایران از بیمارستان‌ها تا محلات شهرها، شکستن درب زندان‌ها و فرار از پادگان‌ها، همگی نیروی یک جنگ واقعی علیه بیماری مرگبار کرونا و جمهوری اسلامی عامل شیوع این بیماری است.

در شهرهای ایران بویژه در کردستان، کمیته‌های مردمی از جوانان و معتمدین محلات با ابتکارات گوناگون با چنگ و دندان از زندگی و زنده ماندن دفاع می‌کنند. جامعه انتظار دارد که تشکل‌های کارگری، معلمان، بازنشستگان، جوانان، زنان و دیگر نهادها ی مدنی و روشنفکری، به این جنبش همبستگی مردمی بپیوندند. جنبشی که امروز علیه کرونا و با پیروزی بر این دشمن، نیروی عظیم دخالت در سرنوشت جامعه برای آزادی و برابری و رفاه و امنیت است.

خانه نشین شدن مردم در دل بحران کرونا، به معنای سکوت و بی تفاوتی و در انتظار نشستن نیست. هر خشتی امروز برای مقابله با شیوع بیشتر بیماری کرونا و نجات جان انسان‌ها، رویهم گذاشته شود، سنگر و ابزار مستحکم مردمی و انسانی برای رهایی فردا است. همبستگی مردمی و انسانی را از کمیته‌های مردمی محلات شهرها تا مراکز بهداشت و بیمارستان‌ها تا زندان‌ها و پادگان‌ها و در میان همه انسان‌های مدافع زندگی گسترش دهیم و مستحکم کنیم. این نیرویی است که می‌تواند گلوی دولت سرمایه داران را آنقدر بفشارد تا سر کیسه را شل کرده و امکانات و ابزار لازم برای قرنطینه، تامین نیازهای حیاتی غذا و بهداشت و درمان و جلوگیری از گسترش بیشتر بیماری کرونا را به فوریت عملی کند.

جمهوری اسلامی کشته‌های ما را همانطوری که در دهه ۶۰ و اذر و آبان، پنهان و آن‌ها را مخفیانه چال کرده و می‌کند. جانباختگان ما در هر سن و سالی، سالم یا مریض، عزیزان خانواده‌های خود و پاره‌های تن ما هستند. تلاش و همبستگی انساندوستانه و دخالت‌های مردمی با سازمان دادن گروه‌های امداد و کمیته‌های مردمی محلات علیه بیماری کرونا می‌تواند خسارت جانی جامعه مان را کم تر کند. این تجارب همچنین سنگری است که در آن برای ساختن دنیایی که انسان مبنای هر چیزی است و حرمت دارد، می‌مانیم و می‌ایستیم. بگذار وقتی از بیماری کرونا پشت راست کردیم، سرمایه داران و حاکمانشان ارزوی شکوفایی و چرخش چرخ‌های بردگی سرمایه را به گور ببرند و بر ویرانه‌های نظام ننگین و ضد انسانی شان دنیایی ازاد و برابر و انسانی بسازیم!

برایشان بسیار سخت است آزمایشگاه‌ها، اماکن بیمارستانی متعدد قرنطینه، ابزارهای پیشرفته تست گرفتن، دستگاه‌های مدرن تنفسی و حتی لباس و دستکش و ماسک تهیه کنند. پیش خود فکر می‌کنند این همه مخارج برای چه؟ بگذار منحنی کرونا به اوج برسد، همه مبتلا می‌شوند، تعدادی می‌میرند و بقیه سالم می‌مانند و قال قضیه‌ها می‌شود. دیگر نیازی به خرج کردن پول نیست! حتی نیازی به تلاش مضاعف برای تهیه‌ی درمان و واکسن هم نیست. تنها بر سر آن رقابت هست که کدام کشور بتواند این آس را رو کرده، برنده‌ی بازار شده و پشت رقبا را بخاک بمالد.

در نتیجه، کسی که قرار است بمیرد می‌میرد. چه در خانه بماند و چه به بیمارستان برسد. نه دارویی هست نه واکسنی. حتی دستگاه اکسیژین لازم برای تنفس و راحت مردن هم ندارند. امار بهبود یافتگان در ایران به شدت گمراه کننده و فریبکارانه است. این‌ها جزو هشتاد درصد مبتلایانی هستند که بدلیل سلامت و مقاومت بدن و سن پایین، خطر مرگ ندارند. این‌ها چه در خانه بمانند و چه پایشان به قرنطینه‌ی بیمارستان‌ها برسد، نهایتاً زنده می‌مانند. این که پزشکان و پرستاران انساندوست این بخش مبتلایان را در قرنطینه نگه می‌دارند تا بیماری را منتقل نکنند، ناشی از وجدان انسانی و بخشی از نیروی مردمی مبارزه علیه کرونا هستند. فاجعه‌ی انسانی در ایران در پس پرده‌ی ریای نظام و دولت بغایت فاسد و دروغگوی روحانی، رخ داده است. مردم در خیابان‌ها می‌افتند و جان می‌دهند. کارمند بانک پشت میز کارش به زمین می‌افتد... مبتلایان را بدلیل نبود تخت و امکانات در بیمارستان‌ها راه نمی‌دهند و به خانه می‌فرستند. زمانی حقایق تلخ از پشت پرده‌ی پنهانکاریها روشن شود، دولتمردان فاسد و قاتل ایران کجا پنهان می‌شوند!

در جبهه دیگر اما، بشریت متمدن برای مقابله با کرونا در کشورهای متعدد بسیج شده است. کسی نمی‌تواند بسیج مردمی و همبستگی انسانی مردم چین و کره جنوبی را در کنترل و مهار کرونا نادیده بگیرد و فقط برای دولتهایشان کف بزند. در انگلستان و کشورهای دیگر درگیر کرونا ده‌ها هزار نفر داوطلب ارائه خدمات به بیمارستان‌ها و مردم آسیب پذیر شده‌اند.

در ایران، پزشکان، پرستاران، امدادگران، کمک‌رسانان، نهادهای مدنی و بالاخره کمیته‌های مردمی محلات علیه کرونا از جمله‌ی این بسیج مردمی است. از طرف دیگر زندانیان درب زندان‌ها را می‌شکنند و بیرون می‌آیند، سربازان دسته دسته از پادگان‌ها فرار می‌کنند یا از مرخصی‌هایشان بر نمی‌گردند... فریاد آزادیخواهان و انساندوستان و مردم زخم خورده از نظام تبعیض و نابرابری و ستم و سرکوب جمهوری اسلامی در همه جا بلند است. دولتمردان تا می‌توانند بدون شرم و حیا به مردم دروغ می‌گویند. امار مبتلایان و کشته شدگان را پنهان می‌کنند. دو دستی ذخیره‌ها و پس اندازها و اختلاس‌ها و دزدیهایشان را چسپیده‌اند تا از گزند هزینه‌ی کرونا محفوظ بمانند. منتظرند شیوع کرونا به اوج برسد و پس از کشتار ده‌ها هزار و حتی صد هزار انسان‌ها، خودبخود به سرایشی افتاده و نهایتاً زحمت کم کنند.

امروز بشریت آگاه بار دیگر بخود آمده و فهمیده است که هر جنگ و مصیبت طبیعی و بیماری و گرسنگی و فقر، منشا جز نظام سرمایه و سود ندارد. جنگ علیه هر کدام از مصیبت‌های وارده، بدون جنگ علیه مبنای منشأ آن، ناقص است و تا زمانی که این نظام سر پا است،

ایجاد کمیته‌های دفاع در مقابل کرونا یک امر ضروری و حیاتی است. کمیته‌های دفاع مردمی از فعالین و شخصیت‌های انسان دوست، از پزشکان و پرستاران مسئول و شرافتمند، برای مقابله با این خطر جدی تشکیل دهید! کمیته‌هایی که در محلات و شهرها بر امور حفاظت از جان مردم اشراف دارند و بر تامین امکانات کافی و فوری از جانب نهادهای دولتی نظارت می‌کند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

بنیاد حقوق‌جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

سوریه بعد از ۱۰ سال ... از جانب دولتهای غربی انجام گرفت که در حقیقت چیزی جز ریاکاری و دروغ و پروپاگاندا جنگی نبود. آنها برای تامین جنگ خود با رقبای، به تحریکات وسیع قومی، ملی و مذهبی و کاشتن تخم نفاق و دشمنی در میان مردم محروم پرداختند و هر کس خود را مدافع و کدخدای قوم و قبیله و مردم منتسب به مذهبی قلمداد کرد تا زیر این پرچم برای جنگ خود از آنها سربازگیری کنند. اهداف این جنگ ها و دخالتگری ها مطلقا مقابله علیه استبداد و برای آزادی مردم نبود. مخالفین اسد چه گروههای مذهبی و قومی که ابتدا در ارتش آزاد سوریه سازمان یافتند و در امتداد به چند گروه و جبهه تبدیل شدند و چه دول حامی آنها، اگر از اسد جنایتکارتر و مستبدتر نبوده باشند، مطلقا از او دست کمی نداشته اند.

این دو کشور به مرکز حل و فصل جدالهای بزرگی تبدیل شدند، که خود ریشه در بحران سرمایه و تناقضات و بی جوابی بورژوازی جهانی داشت. جنگ و جدالی که اساسا بر سر تقسیم مجدد جهان و سهم دولتهای بزرگ در دنیای به هم ریخته بعد از دنیای دو قطبی بود. این جدال که به بهانه مبارزه با اسد شروع شد، ریشه در اختلافات آمریکا و اروپا و انشقاق در خود ناتو و جبهه متحد غرب و بعلاوه عروج چین و قدرتهای اقتصادی دیگر و موقعیت رو به افول آمریکا داشت. خاورمیانه به میدان این جنگها تبدیل شد و سوریه، لیبی، عراق، یمن و... و فجایی که در این کشورها انجام گرفت و کشتار صدها هزار انسان و ویرانی این کشورها، خصوصا در لیبی و سوریه، عواقب این کشمکش و سهم مردم این کشورها شد. عملا دو قطب جهانی در دل آنچه بحران سوریه و جنگ "داخلی سوریه" نام نهاده شد به مرور شکل گرفت. غرب به سرکردگی آمریکا و متحدین محلی آنها از عربستان و اسرائیل تا قطر و... و در مقابل سوریه و ایران و روسیه نیز در جبهه مقابل ترکیه نیز در این میان ابتدا با آمریکا و بعد در کنار روسیه قرار گرفت. احزاب و گروههای مختلف سیاسی در منطقه بر اساس برآورد منافع خود عموما سیاست خود را در امتداد اهداف یکی از این جبهه ها در منطقه تعریف کردند و هر کدام کنار یکی قرار گرفتند.

امروز و با گذشت ده سال از شروع این جنگها، هنوز از آرامش و حتی امید به پایان جنگ و خونریزی در سوریه خبری نیست. در این جدال جبهه غرب به سرکردگی آمریکا شکست خورد، روسیه موقعیت به مراتب بهتری در کل منطقه پیدا کرد، غرب عملا عقب نشینی کرد و دولت اسد با اتکا به کمک روسیه و ایران و... بر مسند قدرت باقی ماند. و اما هنوز سوریه میدان جنگ است و هنوز آوارگی، گرسنگی، نا امنی سایه شوم خود را بر کل منطقه و خصوصا سوریه کشانده است.

مردم خاورمیانه و حتی جهان و خصوصا مردم سوریه قربانی و بازنده اصلی جنگ در این کشور بودند و هنوز هم بخشی از این کشور با دخالت ترکیه در همراهی نیروهای متحد او که انواع جریانات قومی و مذهبی و گانگسترهای نظامی را شامل میشود در جریان است.

امروز با گذشت ده سال از این جنگ، طبق آمارهایی که منتشر شده است چیزی میان ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار انسان در این جنگ کشته شده اند. از جمعیت ۲۲ میلیونی سوریه در حال حاضر حدود ۱۲ میلیون که ۶ میلیون در داخل سوریه و بقیه نیز در کشورهای همجوار آواره اند. وضع آوارگان سوریه علاوه بر وضع وخیم بهداشتی، درمانی، فقر مطلق و عدم دسترسی به امکانات اولیه زندگی و تغذیه مناسب و مرگ میر فراوان، به اشکال مختلف از جانب دولتهای مرتجع از آنها سو استفاده میشود. برای نمونه دولت ترکیه تلاش کرده است با باد زدن تعصبات مذهبی و قومی در میان آوارگان و بعلاوه به جرم اینکه مثلا ترکیه راهشان داده است و "امنیت" آنها را تامین کرده، در خدمت ادامه جنگ خود در سوریه استفاده کند. سربازگیری از مردم آواره و مستاصل که هیچ نور امیدی در زندگی ندارند، کاری است که این دولتها انجام میدهند. اخراج از اردوگاهها، کار اجباری، کار ارزان و... نیز بخشی از مشکلات این مردم است. هیچ مرجعی حتی برای کسب خبر و اطلاع رسانی از وضع واقعی آنها موجود نیست.

اینها تنها بخشی از مشقاتی است که به مردم سوریه تحمیل شده است. عواقب این وضع و فقر و ویرانی ناشی از جنگ، عواقب روحی و روانی برای چندین نسل از مردم سوریه باقی خواهد گذاشت. و برای چندین دهه نفاق، احساس دشمنی که از روی نقشه آگاهانه دول مرتجع به نام سنی، شیعه، مسیحی و ملیتهای مختلف دامن زده شد، چون زخمی عمیق بر پیکر مردم سوریه باقی و نسلهای آتی باقی خواهد ماند.

امروز سوریه از هر زاویه ای ویرانه ای بیش نیست. در شهرهای این کشور یک ساختمان سالم هم باقی نمانده است، پلها، بیمارستانها، مدارس، مراکز درمانی، تولید، آبرسانی و برق و... همه چیز تقریبا ویران است. طبق گزارشی که اکونومیست در سال ۲۰۱۷ منتشر کرده بود، سوریه که زمانی اقتصادی ۶۰ میلیارد دلاری داشته است، در زمان انتشار این گزارش اقتصاد این کشور ۱۲ میلیارد دلار شده و قطعا در این سه سال گذشته هم باز هم وضع اقتصادی وخیم تر شده است. بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ هزینه بازسازی سوریه را بالغ بر ۲۲۶ میلیارد دلار برآورد کرده است و مراجع دیگر هزینه بازسازی سوریه را بسیار بالاتر از این میزان میدانند. اگر فرض بگیریم که از ۲۰۱۷ تا کنون جنگی در سوریه ادامه نداشته است، اگر فرض کنیم تمام درآمدهای کنونی کشور سوریه صرف بازسازی خواهد شد و همه احتیاجات این کشو از جمله هزینه زندگی مردم را نادیده بگیریم، برای بازسازی این کشور به ۲۵ سال زمان احتیاج است. بعلاوه و مستقل از هزینه مالی چنین امری احتیاج به چندین میلیون نیروی کار انسانی دارد که چندین سال به این کار اختصاص داده شوند.

دقیقه ای تصور کنید که ویروس کرونا در این کشور نیز اشاعه خواهد یافت، چیزی که دیر یا زود اتفاق می افتد، آنزمان معلوم نیست از مردم این کشور بدلیل عدم دسترسی به هر نوع امکانات زیستی، بهداشتی و درمانی، چند میلیون نفر جان خواهند داد و چه فاجعه عظیم انسانی اتفاق می افتد.

دخالتهای امپریالیستی و جنگهایی که در لیبی، سوریه، عراق و یمن در جریان بوده است، بعلاوه چهره دنیا را عوض کرد. انقلابات دنیای عربی را سد کرد و به جای آن استیصال و درماندگی را اشاعه داد. موقعیت مردم محروم را در همه کشورهای خاورمیانه در مقابل حکام مرتجع ضعیف کرد. انواع دارودسته های آدم کش در دل این جنگ سازمان یافتند و موی دماغ جامعه شدند که به این زودی ها پاک شدنی نیستند. سایه ترور و اشاعه تروریسم بر جهان ما بیش از هر زمانی به پدیده ای عادی تبدیل شده است. دنیا با بحران خاورمیانه و جنگهایی که به مردم این منطقه تحمیل شد، گامها به عقب برگشت. امروز در سایه این جنگها و پروپاگاندا پوچ و ریاکارانه رسانه های بزرگ دنیا، رسانه هایی که در تمام این جنگها بلندگوی تبلیغات جنگی بودند و دروغ پراکنی امرشان بود، تروریسم به همه دنیا کشیده شده است. و نباید فراموش کرد که دولتهای بزرگ جهان و خصوصا دولت آمریکا امروز بیش از همه در راس ماشین تروریسم از دولتی تا غیر دولتی اند.

اگر زمانی حقایق جنگ در سوریه، دلایل واقعی پشت دخالتهای امپریالیستی، هزینه هایی که صرف جنگ و سازمان دادن گروههای آدم کش شد، هزینه هایی که صرف پروپاگاندا جنگی و مهندسی افکار و دروغ پراکنی شد، اگر حقایق همه جنایات و توحشی که در خاورمیانه و سوریه انجام شد و .. علنی شود، باید صدها بار سران کشورهای دخیل در این جنگ، انواع گروههای جنایتکار و رسانه های بزرگ جهان به جرم جنایت و توحش علیه بشریت محاکمه شوند. دنیا از نگاه این جنگ بار دیگر ضدیت سیستم کاپیتالیستی با هر نوع تمدن بشری را ترسیم کرد. بار دیگر بیگانگی این سیستم و همه دولتهای آنرا با مدنیت و حقوق اولیه انسان، با حرمت و کرامت انسانی و با آزادی و انسانیت، نشان داد. بشریت متمدن، طبقه کارگر جهانی برای نجات دنیا از فقر، از جنگ و بی حقوقی، از کشتار و جنایت، از دروغ پراکنی و ضدیت با حقایق و برای جهانی آزاد و برابر، راهی جز پایان حاکمیت سرمایه را در مقابل خود ندارد.

نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
[@Hekmatistx](https://t.me/Hekmatistx)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

درب زندانها را بشکنیم! زندانیان حق فرار دارند!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

در هفته ای که گذشت زندانیان تعدادی از کشورهای جهان از ایتالیا و اسپانیا تا لبنان و انگلستان شاهد اعتراض و درگیری و فرار زندانیان از دست خطر ابتلا به ویروس کرونا بودند. در ایران هم، از همدان و خرم آباد و سقز و مهاباد تا تبریز، شیراز و اهواز و ... محل کشمکش و درگیری زندانیان با مأموران رژیم بود. هم اکنون تلاش زندانیان برای شکستن درهای زندانها و فرار از خطر ویروس کرونا بر فضای سیاسی ایران سایه افکنده است. در برخی از زندانها، از جمله سقز و خرم آباد تعدادی از زندانیان موفق به فرار شدند اما در بقیه شهرها، دولت دست به سرکوب وحشیانه و کشتار زندانیان زده است.

جمهوری اسلامی، فرار زندانیان از خطر ابتلا به کرونا و مرگ را "شورش" نامیده است تا سرکوب وحشیانه خود را توجیه کند. در قفس نگاه داشتن زندانیانی که با برخورداری از کمترین امکانات بهداشتی و درمانی در مقابله با شیوع کرونا در زندانها بسر میبرند، یادآور محبوس کردن انسانها در زندانهای آشویتس در انتظار کوره های آدم سوزی فاشیسم است. هیچ چیز حتی فاشیسم و قوانین کثیف جمهوری اسلامی هم نمیتوانست بهتر از حربه کرونا، جان همه زندانیان را با خطر کشتار دستجمعی روبرو کند و نفس حاکمیت را از دست این قربانیان خلاص کند؛ هیچ چیز به اندازه کرونا نمیتوانست به خلاص کردن گریبان دولتها از پرداخت خدمات بهداشتی و رفاهی در حق حتی شهروندان ظاهرا "آزاد" در بیرون زندانها، یاری رساند! کرونا بهانه ای شد که حمله دولتها به ضعیف ترین حلقه های جامعه انسانی از زندانیان تا سالخوردگان و بازنشستگان توجیه شود. بهانه ای شد تا نرخ افزایش خشونت خانگی علیه زنان و کودکان توجیه شود. کرونا سپری شد تا نظام ضد انسانی سرمایه داری و حاکمان بر مسند قدرت اش را از مسئولیت مستقیم در قبال حیات و حرمت و حیثیت انسان، معاف کند.

محکوم کردن صدها و دهها هزار انسان به مرگ در سیاه چال های حاکمان، جنایت علیه بشریت است. تنها بنا به آمار خود رژیم اسلامی ایران، هزاران نفر از معترضان آبانماه ۹۸ در زندانهای این جلادان اند. هزاران هزار انسان دیگر به جرم باورهای سیاسی، بجرم دفاع از ابتدایی ترین حقوق انسانی در جهان امروز، به جرائمی چون اعتیاد، تن فروشی، بدهکاری و ... بازداشت و اسیر و در انتظار اجرای "حکم" اند. علیرغم تقاضای خانواده های زندانیان برای آزادی موقت آنها، قوه جنایتکار قضائیه، تنها با آزادی تعداد اندکی از زندانیان، کماکان بقیه را در زندانها نگه داشته است. زندانهای جمهوری اسلامی همیشه قتلگاه و شکنجه گاه زندانیان بیشمار بوده است. اعتراض، اعتصاب و مبارزات زندانیان برای آزادی و حقوق انسانی شان در تمام این سالها ادامه داشته است و اعتراض امروز زندانیان به اوضاع فلاکت بار زندانها در ادامه مبارزات پیشین آنها است؛ با این تفاوت که شیوع کرونا میتواند به یک کشتار جمعی در زندانها بیانجامد. هم اکنون، همه زندانیان به مرگ محکوم شده اند، بدون آنکه حتی نیازی به همان دادگاه و وکیل و محکمه و قانون و ... نمایشی هم باشد. بدون آنکه نیازی به روند کشدار دادگاه و محاکمه باشد، درجا میتوان همه را از لب تیغ کرونا گذراند و گذشت! این طرح و نقشه جنایتکارانه ای است که جمهوری اسلامی نه تنها برای زندانیان بلکه برای آنها هم که ظاهرا بیرون زندانها "آزادند"، در مقابله با ویروس کرونا در آستین دارد. این حاکمیتی است که بشر را در انتظار مرگ با کرونا در زندانی به وسعت جامعه بشری نگاه داشته است! بشریت آزادیخواه هر زمانی که فکر کند جانش در خطر است، حق فرار دارد. حق هیچ زندانی و اسیری، ماندن در انتظار مرگ نیست؛ اقدام دسته جمعی زندانیان برای فرار از مرگ تنها راه باقی مانده برای نجات است؛ اکنون حفظ

نهاد زندان بعنوان یکی از ارکانهای سرکوب دولت، از واجبات است؛ نیروهای سرکوبگر این نظام به قصد حفظ زندانها و سیاه چال هایشان به کار انداخته شده اند و بروی زندانیان شلیک میکنند.

این دولت با لشکرکشی به سمت زندانها توان مقابله با قدرت متحد و متمرکز مردم آزادیخواه را ندارد! این مردم گلوله نظامیان و ارگانهای سرکوبگر این دولت را از زندانها تا وسط میدان ظاهرا "آزاد" شهرهای ایران هنوز در سینه دارند. مردم ایران، آنان که دلشان برای رهایی و برابری می تپد، زندانیان و اسرایشان را در این میدان نبرد علیه کرونا و نظام، رها نخواهند کرد؛ عطش به آزادی و آزادیگی، عطش به رفاه و زندگی در قلب و روح این مردم، خاموش شدنی نیست. فرار زندانیان در شرایط خطر کرونا، فرار از مرگ حتمی است. در حالیکه دست مردم در این شرایط بسته است، این حق تمام زندانیان سراسر کشور است که درب زندانها را بشکنند و فرار کنند. مردم آزادیخواه ایران خواستار آزادی کلیه زندانیان برای نجات از خطر ویروس کرونا هستند. مردم اجازه نخواهند داد زندانیان فراری بار دیگر به قتلگاه این نظام برگردند. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان زندانیان در مقابل خطر کرونا است. همه زندانیان کشور باید بدون قید و شرط آزاد شوند! این خواست مردم ایران و خانواده های زندانیان سیاسی و عادی است. این خواست وجدان آگاه و شریف مردم ایران است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۳ فروردین ۱۳۹۹ (۱ آوریل ۲۰۲۰)